



طرز مبارزه با منافقان

۹۴ - یعتذرون الیکم اذا رجعت الیهیم قل لا تعذروا لئن نؤمن لکم قدرنا ان الله من یشیر الیه عملکم ورسوله ثم تردون الی عساکم الفیض و الشهادة فینبئکم بما کنتم تعملون .

• هنگامیکه بسوی آنها بر میگردد (برای ضم شرکت در جوار) مغفرت میخواهند بگو مندر نخواهید مگر بشما ایمان نخواهیم آورد ، خدا از کارهای شما آمارا مطلع نموده است و خداو پیامبر او بزودی اعمال شمارا خواهند دید پس بسوی خدائیکه از آشکار و نهان آگاه است بر میگردد و از آنچه انجام داده اید آگاهتان میسازد ،
۹۵ - سیما یفون باله لکم اذا نقلت الیهیم لتعرضوا عنهم فاعرضوا عنهم انهم رجس و ما ولیهم جهنم جزاء بما کانوا یکسبون .

• هنگامیکه بسوی آنها بر میگردد سوگند یاد میکنند تا از آنها صرف نظر کنید ؛ همانیز صرف نظر کنید (ارضی بر آنها نازل نشود) آنان پلیدند ؛ و جایگاه آنها دوزخ است که سزای کارهایی است که انجام میدادند .

۹۶ - یحلفون لترضوا عنهم فان ترضوا عنهم فان الله لا یرضی عن القوم الفاسقین . سوگند یاد میکنند که از آنها راضی شوید اگر شما از آنها راضی شوید خدا از جمعیت فاسق راضی نمیشود .

هر انقلاب و تحولی خواه ناخواه یک مقتضای نارضی و گاهی کار شکن واخلالگر پدیدال دارد که نتیجه فوری تحولات و تبدلات است ، خواه بفتح ملت باشد یا بشر آنها زیرا لازمه هر انقلاب ، متبرفتن گروهی و سر کار آمدن گروه دیگر است و بالطبع جمعیت عقب رفته بر اثر از دست دادن مقامات مادی ، و منافع شخصی نارضی و کار شکن از آب در می آیند . رهبران انقلاب هر گاه بخواهند تحولات خود را بر اساس رضایت عموم طبقات و افراد بنا کنند ، ناچار اول دست کاری بزنند و همان وضع موجود باید سازند .

در تحویل یک رسول اکرم (س) در مهاجرت خود بدینچه بوجود آورد این اصل کلی مستثنی نبوده است ، او با اینکه برای تفراسول آزادی ؛ اصلاح اخلاق عمومی ؛ و بالا بردن سطح زندگی و مبارزه با پیدادگری و . . . مبعوث شده بود - مع الرسول - از آغاز تمرکز قوای اسلامی در مدینه ؛ نارضی های سر را بخود پیدا کرد که بعدها بنام «حزب منافقین» معروف گردیدند یکی از سر جتاتین این حزب عبدالله بن ابی مره ، پیش از تشریف فرمائی پیامبر اسلام شرحی در دستش بود که وی رئیس و فرمانروای کل اوسیان و خزرجیان کرده ، ولی با اسلام آوردن گروهی از آنها ، اساس آن متزلزل گردید ، و با تشریف فرمائی پیامبر اصل موضوع از بین رفت .

این مرد اگرچه ظاهرمانند دارودسته خود ، اسلام آورده بود ؛ ولی در باطن با تمام قوا می کشید که اساس حکومت نو بنیاد اسلام را متزلزل سازد .

طرز مبارزه با دشمنان تحول

مبارزه با این دشمنان دوست نما دو حالت مختلف دارد تا آنجا که تیانه واقعی ؛ و اوقیت افراد این دسته شناخته نشده است ، با است مبارزات بر گیرای معرله و رسوا کردن آنها نمود و آنرا با سب و مکتب نیست ؛ و هرگز نباید دست جعلی ؛ « الباطل یموت بقرکذ کذکره » یعنی اهل باطل با فراموش کردن و بی اعتنائی از میان میروند « سند عموشی و بی عتایشی گردد این رقم دشمنان بیماری ناشناخته است که اگر پیش گیری بعمل نیاید مانند سرطان در تمام بدن ریشه میدواند .

« این اصل هرگز غرضی و مسامحه جائز نیست زیرا نتیجه مسامحه توسعه و سرایت است ؛ و گاهی طرفی بعدی میرسد که دیگر قابل جلوگیری نیست .

رسول خدا با حزب منافق در آغاز از همین طریق وارد شد ؛ از طرف خدا فرمان آمد که « یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلق علیهم » یعنی با کافران و منافقان بشدت مبارزه کن و با آنها از طریق غش و ترغیب رفتار کن ، مسجدهای که منافقان در چند کیلومتری مدینه بنظور سر کز حزب ساخته بودند ؛ ویران و با خاک یکسان نمود ؛ چنانکه

شرح این قسمت در تفسیر آیة‌های ۱۰۷ - ۱۰۸ خواهد آمد؛ عدای از منافقان، مؤثری که از جهاد سر باز زده بودند دستور داد، که مسلمانان با آنها قطع رابطه کنند؛ چنانکه در تفسیر آیة (۱۱۸) مشروح این قسمت بیان خواهد شد.

جنایات و ضربات سنگینی را که بوسیله اعمال این گروه بر اسلام و مسلمانان وارد شده بود؛ بوسیله سوره توبه، و سوره منافقین آشکار کرد؛ و بالتبیه همه مسلمانان فهمیدند که آنان یک امت مردم بوالهوس و اخلالگر هستند که جز اسلحه و بیهم‌زدن اوضاع هدف دیگری ندارند تا این لحظه بر نامه؛ بر نامه مدت و غلطت بود؛ ولی از ایندم بی‌معه که دشمن معرفی و رسوا شد بر نامه و طریق دیگری پیش می‌آید، و آن همان بی‌اعتنائی و بی‌ارزش شدن طرف بود و مجال بزرگ و رسی سختی از او بیان نادرده و موجودیتی برای او قائل نشدنت.

و در آیة ۹۵ همین دستور به پیامبر داده شده است؛ و می‌فرماید یا رسول الله، از آنها سرفتنار کنید «انهم رجس» آنها پلید و بی‌ارزشند؛ دیگر بیش از این درباره آنها وقت گرانمای خود را سرفه مکن و در آیة ۹۸ می‌فرماید، این بی‌اعتنائی و جعل تکفاردن نبایدست تمام باحالت رضایت و عفو و بخشودن باشد، زیرا هرگاه باز دیگری در قلوب مؤمنان جای باز کنند و با چهره بازو خندان که حاکم از رضایت قلبی باشد از آنها استقبال نمایند دومرتبه از این طریق سوء استفاده خواهند نمود. بلکه مسلمین بایست نسبت با آنها بی‌اعتنا باشند، و در عین حال هرگز روی خوشی با آنها نشان ندهند چنانکه می‌فرماید: فان ترضوا عنهم فان الله لا یرضی عن القوم الفاسقین

مقصود از جمله قسیری الله عملکم و رسولہ تا آخر چیست؟

عین همین جمله در همین سوره نیز تکرار شده چنانکه در آیة ۱۰۵ می‌فرماید: وقل اعملوا قسیری الله عملکم و رسولہ و ائمه مؤمنون تا آخر، در این آیة مؤمنان نیز بر رسول عطف نموده است ولی در آیة مورد بحث قسیری الله و رسول او ذکر شده است و ما آنکه این مطلب را در تفسیر آیة ۱۰۵ خواهیم گفت.

مضمون از این جمله اینست که ما هرگز از شما این اعدا را اقلی و یولشهای زبانی را نخواهیم پذیرفت و ایمانی بهما پیدا نخواهیم نمود اعمال آینده شما برای خدا و رسول او بهترین گواہ است، اگر بعد هائیر از درنفاق هر دوری وارد گردیدید، معلوم میشود، که تمام این پوشها نیز بی‌اساس بوده و با زبر عقیده؛ اتقی خود باقی هستید و اگر کردار نیک؛ و مقاصد خوب از شما مشاهده شد، این گواہ خواهد بود؛ که در این اظهار ندامت و پشیمانی و پوشش راستگوئید و اخلاص دارید؛ خلاصه میز آن که در راههای آینده شماست که خدا و رسول او مشاهده خواهند فرمود.